

Islamic Law and Jurisprudence Studies

Volum 18, Consecutive Number 42, Spring (March) 2026

Issn: 2717-0330

Pages 163-194 (Research Article)

Received: January 06, 2024 Revised July 04, 2024 Accepted: August 05, 2024

Journal Homepage: <https://feqh.semnan.ac.ir>

This is an Open Access paper licensed under the Creative Commons License CC-BY 4.0 license.



Jurisprudential-Legal analysis of the Criteria for Recognizing the Crime of Stealing Other People's Property

Vahid Bazvand^{1*}  & Hosein Normohammadi²

1: Ph.D. Student in Criminal Law and Criminology, Faculty of Crime Prevention and Correctional Studies, University of Judicial Sciences and Administrative Services, Tehran, Iran. (Corresponding Author): Vahidbazvand70@gmail.com

2: Ph.D. Student in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Abstract: In the enforcement of the fourth principle of the constitution that the laws and regulations are Islamic, the Iranian legislator has also tried to comply with this principle in the criminal sections related to the crime of theft. Explanation: In order to apply the h.add punishment to theft, the Imami jurists have calculated the conditions, in case of its absence, the committed behavior is covered by other jurisprudential titles and the reason for determining Ta'azir for the perpetrator. Unfavorable performance of the legislator in reflecting the Sharia principles mentioned in the criminal laws has caused ambiguities and mixed interpretations among lawyers and criminal courts regarding the abduction of Article 665 of the Punishment Law approved in 1375. It seems that the most important existing challenge is the lack of regulations and legal criteria to recognize and identify examples of the mentioned legal article, due to the lack of differentiation in the constituent elements of the crime of snatching, the subject of this article and the crime of theft; The research method in this article is analytical and descriptive, and it aims to, in the legal and jurisprudential analysis, identify the criteria and rules for distinguishing the cases of Article 665 and the components of its differentiation from the crime of theft in the context of the concept of Sharia, legal and customary ownership of the property subject to snatching.

Keywords: customary property, property, snatching, theft, non-theft snatching.

-V. Bazvand; H. Normohammadi (2026), "Jurisprudential-Legal analysis of the Criteria for Recognizing the Crime of Stealing Other People's Property", Semnan University: *Islamic Law and Jurisprudence Studies*, 18(42), 163-194.

[Doi: 10.22075/feqh.2024.32910.3812](https://doi.org/10.22075/feqh.2024.32910.3812)

سال ۱۸ - شماره ۴۲ - بهار ۱۴۰۵

صفحات ۱۹۴-۱۶۳ (مقاله پژوهشی)

تاریخ: وصول ۱۴۰۲/۱۰/۱۶ - بازنگری ۱۴۰۳/۰۴/۱۴ - پذیرش ۱۴۰۳/۰۵/۱۵

تحلیل فقهی - حقوقی ضوابط تشخیص جرم ربایش مال غیر

وحید بازوند^{۱*} / حسین نورمحمدی^۲

۱: دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده پیشگیری از جرم و اصلاح و تربیت، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
Vahidbazvand70@gmail.com

۲: دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، تهران، ایران.

چکیده: قانونگذار ایران در اجرای اصل چهارم قانون اساسی مبنی بر اسلامی بودن قوانین و مقررات، در بخش های کیفری مربوط به جرم سرقت نیز سعی بر رعایت این اصل داشته است. توضیح آنکه فقهای امامیه جهت تعلق حکم حدی بر سرقت، شرایطی را احصاء نموده اند که در صورت فقدان آن، رفتار ارتكابی مشمول عناوین فقهی دیگر و سبب تعیین تعزیر برای مرتکب می شود. عملکرد نامطلوب مقنن در انعکاس مبانی شرعی مذکور در قوانین کیفری، در بین حقوقدانان و محاکم کیفری سبب ابهامات و تفسیرهایی متهاافت در رابطه با ربایش موضوع ماده ۶۶۵ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ گردیده است. به نظر می رسد که مهم ترین چالش موجود فقدان ضابطه و معیار قانونی جهت تشخیص و شناسایی مصادیق نصّ مورد اشاره، به جهت عدم افتراق در ارکان تشکیل دهنده جرم ربایش موضوع این ماده با جرم سرقت می باشد. روش تحقیق در این مقاله تحلیل و توصیفی بوده و درصدد آن است که درسنجه تحلیل فقهی و قانونی، ملاک و ضابطه تشخیص مصادیق موضوع ماده ۶۶۵ و مؤلفه های افتراق آن از جرم سرقت را در بستر مفهوم مالیت شرعی، قانونی و عرفی مال موضوع ربایش، ارزیابی و ارائه نماید.

کلیدواژه: سرقت، ربودن، ربایش غیر سرقت، ماده ۶۶۵ قانون تعزیرات، مالیت عرفی.

وحدید بازوند و همکاران: سال هجدهم - بهار ۱۴۰۵ - شماره ۴۲

- بازوند، وحید؛ نورمحمدی، حسین (۱۴۰۵) «تحلیل فقهی - حقوقی ضوابط تشخیص جرم ربایش مال غیر». دانشگاه سمنان: مطالعات فقه و حقوق اسلامی دانشگاه سمنان. ۱۸(۴۲): ۱۹۴-۱۶۳.

[Doi: 10.22075/feqh.2024.32910.3812](https://doi.org/10.22075/feqh.2024.32910.3812)

بیان مسأله

شیوه تقنین در قوانین کیفری ایران به گونه ای است که مقنن در مرحله جرم انگاری برخی جرایم تعزیری که مخصوصاً دارای صبغه فقهی بوده، دقت کافی در تعیین چارچوب نصّ مربوط به این جرایم را مدنظر قرار نداده است. گاهی شاهد آن هستیم که چنین اقدامی از سوی مقنن سبب اختلاف عقاید بین دکترین حقوقی و به تبع آن در رویه قضایی گردیده است، تا حدّی که به سبب همین اختلافات و عدم وجود ضابطه دقیق و مشخص، به مرور زمان استفاده از چنین نصّی به حداقل ممکن رسیده است. از جمله چنین مواردی می توان به ماده ۶۶۵ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ اشاره نمود. جرم موضوع این ماده اولین بار در ذیل فصل بیست و یکم از قانون تعزیرات و مجازات های بازدارنده در سال ۱۳۷۵ تصویب گردید و بدون ارائه ضابطه یا معیار مشخصی انواع ربایش های کیفری را که مشمول سرقت نمی باشد، ذیل عنوان این نسخه قانونی معرفی نمود؛ در حالی که ارکان تشکیل دهنده جرم مذکور مشابه همان جرم سرقت، یعنی «ربودن مال متعلّق به غیر» است که تعریف آن در ماده ۲۶۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ذکر شده است. همچنین وجود ماده ۶۶۱ ق.ت. مصوب ۱۳۷۵ که مطابق با آن، سایر سرقت هایی که شرایط آنها در قانون ذکر نشده مشمول این ماده می شود، بیش از پیش بر ایجاد اختلاف نظر و محدودیت استفاده از این نصّ مؤثر واقع شده است. استدلال گروهی از حقوقدانان آن است که از جمله شرایط و اوضاع و احوال ضروری تحقق سرقت در فقه و حقوق جزای اسلام، مخفیانه بودن ارتکاب آن است؛ از اینرو فقها ربایش های علن و آشکار را خارج از دایره شمول سرقت و ذیل عناوین دیگری مورد بحث قرار داده اند. بنابراین به نظر می رسد که قانونگذار در اجرای اصل ۴ قانون اساسی و به منظور تأمین نظر فقها و تطبیق احکام و قوانین موضوعه با مبانی اسلامی، در کنار جرم سرقت، ربایش ماده ۶۶۵ قانون تعزیرات را نیز جرم انگاری نموده است. البته این عقیده خالی از اشکال نیست، زیرا همانگونه که اشاره شد با وجود ماده ۶۶۱ قانون مذکور و شمول آن بر سایر ربایش های فاقد شرایط سرقت، مجالی برای طرح این اشکال نمی ماند. در نتیجه حقوقدانان و همچنین رویه قضایی تاکنون هیچگاه به اتفاق نظر و وحدت رویه در رابطه با مصادیق جرم موضوع ماده ۶۶۵ نرسیده اند؛ به نحوی

که عده ای از حقوق‌دانان ربایش علنی مال دیگری، عده ای دیگر ربایش موقتی به قصد بازگرداندن مال، گروهی ربایش حقوق معنوی و ... را به عنوان مصادیق این جرم معرفی کرده‌اند، لکن هیچ کدام از آنها ملاک و تحلیل حقوقی منسجم و قابل قبولی در این رابطه ارائه نکرده‌اند.

در رابطه با چالش حقوقی پیش گفته در سابق برخی تحقیقات صورت گرفته است که غالباً مبانی جرم‌انگاری و تدوین ماده ۶۶۵ را مورد نقد و بررسی قرار داده‌اند، بدون آن که ضابطه خاصی برای شناسایی ربایش مجرمانه موضوع این ماده ارائه نمایند. برای نمونه می‌توان به مقاله «تحلیل ماده ۶۶۵ قانون مجازات اسلامی» نگارش شده توسط دکتر محمدجعفر حبیب زاده و دکتر حسین آقابابایی در مجله حقوقی دادگستری (سال ۱۳۸۷) اشاره نمود که در مقاله مذکور بر این اعتقادند که مصداق مجرمانه برای ماده ۶۶۵ متصور نمی‌باشد و تصویب این مقرر قانونی را زائد و غیر ضروری قلمداد نموده‌اند. برخی از پژوهش‌های دیگر بدون ذکر ضابطه یا مبنای خاصی برخی ربایش‌ها مانند ربایش موقتی مال دیگری یا استلاب فقهی را به عنوان مصداق مجرمانه این نص قانونی معرفی نموده‌اند. برای مثال محمد مهدی پور و همکاران در مقاله «ارزیابی اعمال مجرمانه مشمول ماده ۶۶۵ ق.م.ا در دکتترین حقوقی» (در نخستین کنگره بین‌المللی جامع حقوق، ۱۳۹۴)، به تأسی از دیدگاه دکتر حسین میرمحمد صادقی نگارنده کتب حقوق کیفری اختصاصی، ربایش موقتی مال را مصداق ماده ۶۶۵ تلقی نموده‌اند که در ادامه به ایرادات اساسی وارده بر این عقیده خواهیم پرداخت. پس از بررسی پیشینه پژوهشی مقرر مورد اشاره به نظر می‌رسد که حقوق‌دانان در قبال این مقرر دو واکنش متفاوت اتخاذ کرده‌اند؛ ابتدا با دیدگاه‌های فوق سعی در توجیه اعتبار نص مورد بحث و یا رد ضرورت تصویب آن داشته‌اند و عده ای دیگر از آن جهت که ملاک و معیاری مستدل برای توجیه و تعیین مصادیق ماده ۶۶۵ نداشته‌اند، جانب احتیاط را رعایت کرده و سکوت و عدم ارائه دکتترین و تحلیل حقوقی پیرامون این نص را مرجح دانسته‌اند.

نوآوری مقاله حاضر از آن روست که در بستر تحلیل فقهی - حقوقی و با استفاده از تفسیر مواد قوانین کیفری مختلف، ابتدا بر آن است که ارکان جرم سرقت و ربایش غیر سرقت موضوع ماده ۶۶۵ را مقایسه نماید و از این رهگذر به دنبال پاسخ به این سؤال است که آیا افتراق دو جرم مورد اشاره از طریق این تطبیق و مقایسه قابل احراز است یا خیر؟ سپس به بررسی دیدگاه های مختلف حقوقی در رابطه با ماده مذکور و مصادیق آن می پردازد و در نهایت به دنبال آن است که به منظور ارائه ملاک و ضابطه قانونی جهت افتراق و تشخیص جرم ربایش غیر از سرقت از جرم سرقت، این جرم موضوع ماده ۶۶۵ را در بستر مفهوم مال و مالیت بررسی و تحلیل نماید.

۱- مفهوم شناسی مال و مالیت و تحلیل شقوق مرتبط

در بادی امر و قبل از ورود به مباحث اصلی این پژوهش، ضروری است دو جرم سرقت و ربایش غیر سرقت در بستر مفاهیم «مال» و «مالیت» مورد ارزیابی و سنجش قرار گیرند. بنابراین لازم است ابتدا مقدماتی در رابطه با دو مفهوم اخیر تحلیل و ارائه شود. در قوانین موضوعه ایران تعریف صریحی از مال به میان نیامده است؛ از اینرو در تعریف مال می بایست از منابع فقهی، دکترین حقوقی و عرف استمداد گرفت. در لسان فقها و از نظر لغوی، واژه «اموال» کلمه ای عربی بوده که جمع «مال» است و به معنی مال ها، املاک و اسباب و امتعه و کالا و ثروت و هر چیزی که در تملک کسی باشد، یا در تصرف و ید کسی باشد گفته می شود» (دهخدا، ۱۳۷۷: ۳/ ۳۳۷۷)؛ یا در تعریفی دیگر آمده است: «کلّ ما ملک من اشیاء فهو مال»، یعنی مال عبارت است از هر چیزی که شما مالک و صاحب آن باشید (الشرتونی، ۱۴۰۳: ۱۲۵۲/۲). از نظر اصطلاحی نیز در فقه آمده است که «المال ما یبذل بازائه المال»، یعنی مال چیزی است که در مقابل آن مال بدهند. البته عده ای از فقها به جهت آن که این تعریف مشمول دور می باشد به آن ایراد گرفته اند (نائینی، ۱۳۷۳: ۳۳۹/۱). همچنین از نظر شهید ثانی «هر چیزی که دارای منفعت باشد، مال محسوب می شود» (شهید ثانی، ۱۳۸۶: ۳۱۰/۱؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۱۲۴/۳).

در دکترین حقوقی نیز تعاریف مختلفی از مال بیان شده است. بنا بر یک تعریف، «مال چیزی است که نزد مردم مطلوب است و به طور مستقیم یا غیرمستقیم نیازهای آنها را

برطرف می‌کند» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷: ۵۹۵/۱). یا این که «هر چیزی که انسان می‌تواند از آن استفاده کند و قابل تملک هم باشد، مال است» (عدل، ۱۳۸۵: ۳۱). یا طبق یک نظر دیگر «به چیزی مال گفته می‌شود که دارای دو شرط اساسی باشد: ۱- مفید باشد و نیازی را تأمین کند، خواه آن نیاز مادی یا معنوی باشد؛ ۲- قابلیت اختصاص یافتن به شخص یا ملت معین را داشته باشد» (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۹)؛ یا این که «مال آن چیزی است که قابل استفاده بوده و ارزش مبادله اقتصادی یا داد و ستد داشته باشد» (صفایی، ۱۳۸۹: ۱۲۳/۱). برآیند این نظریات در رابطه با تعریف مال را می‌توان اینگونه ارائه داد که مال بر تمام اشیاء و حقوقی اطلاق می‌شود که دارای ارزش اقتصادی باشد.

از آنجایی که موضوع بحث ما «مال» موضوع جرم ربایش غیر سرقت است، بنابراین به شرح پیش رو صرفاً به تقسیمات اموال که مرتبط به ماده ۶۶۵ بوده، یعنی مالیت واقعی و اعتباری پرداخته می‌شود. قبل از ورود به این بحث باید به این نکته اشاره نمود که منظور از مالیت واقعی و اعتباری در این قسمت با مالکیت حقیقی و اعتباری که در علوم فلسفه و اخلاق بحث شده است، متفاوت می‌باشد. در امکان تحقق سرقت اموالی که دارای مالیت واقعی بوده، به این سبب که تردیدی در مال بودن آنها وجود ندارد، محلی برای اختلاف وجود ندارد؛ لکن ممکن است با این مسأله مواجه شویم که آیا اموالی مانند چک صیادی که دارای مالیت اعتباری بوده یا مواردی مانند رمز ارزها که صرفاً متشکل از اعداد صفر و یک در فضای دیجیتال بوده و ذاتاً یا به نحو مستقل مالیت نداشته، بلکه به واسطه پشتوانه‌ای که دارند، وسیله تحصیل مال محسوب شده، قابلیت سرقت و ربایش دارند یا خیر؟ در پاسخ باید گفت که به نظر می‌رسد ربایش مواردی مانند چک صیادی به آن جهت که صرفنظر از اعتبار آن، کاغذ آن نیز دارای ارزش مالی و عقلایی است، با جرم سرقت و ربایش موضوع قانون مجازات اسلامی قابلیت تطبیق دارد. در رابطه با سرقت رمز ارزها نیز باید عنوان داشت که این رفتار می‌تواند تحت شرایط خاص قانونی مشمول عناوین سرقت و کلاهبرداری موضوع قانون جرایم رایانه‌ای قرار بگیرد (ایزدی فرد و حسین نژاد، ۱۳۹۸: ۳۶-۳۵). بنابراین صرفاً اموال دسته اول را در صورت داشتن شرایطی شاید بتوان مشمول

جرم ربودن ماده ۶۶۵ دانست؛ در غیر این صورت ربایش این اموال «سرقت» محسوب می شود؛ بنابراین در اینجا نیز به جهت فقدان تحلیل یا ملاک قانونی به نظر می رسد که نمی توان تقسیم بندی مذکور از مالیت را جهت تفکیک دو جرم سرقت و ربایش ماده ۶۶۵، مدّ نظر مقنّن دانست.

۲- ارکان جرم ماده ۶۶۵ در تطبیق با سرقت

در این بخش سعی بر آن است که از طریق بررسی ارکان دو جرم سرقت و ربایش موضوع ماده ۶۶۵ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ در بستر فقه و قوانین موضوعه مشخص شود که آیا تفاوت اصلی دو جرم یاد شده، در ارکان و عناصر تشکیل دهنده این جرایم مستتر است یا خیر؟

۲-۱- بررسی سیر تقنینی

در ماده ۲۶۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ سرقت اینگونه تعریف شده است: «سرقت عبارت از ربودن مال متعلق به غیراست». با ملاک قرار دادن اطلاق ماده، این تعریف شامل سرقت حدّی و تعزیری هر دو می گردد. در ادامه و در ماده ۲۶۸ قانون مذکور شرایط سرقت موجب حدّ ذکر شده است که این توالی بین دو نصّ قانونی مذکور ممکن است موجب این اشتباه شود که ماده ۲۶۷ در واقع تعریف سرقت موجب حدّ می باشد؛ لکن نباید این نکته را نادیده گرفت که یکی از شرایط اصلی سرقت حدّی، «پنهانی یا مخفیانه بودن» عمل سرقت می باشد. لازم به ذکر است که بحث سرقت در منابع فقهی تحت عنوان حدّ سرقت مورد بررسی قرار گرفته و فقها بیشتر به شرایط تحقّق سرقت حدّی پرداخته و کمتر بحثی از سرقت تعزیری به میان آورده اند. در این رابطه شهید اول می گوید: «و یتعلّق الحکم بسرقة البالغ العاقل من الحرز بعد هتکه بلا شبهه ربع دینار أو قیمته سرّاً من غیر مال ولده و لا سیّده و غیر مأکول عام سنه» (شهید اول، ۱۳۶۹: ۲/۲۵۴). شهید اول در اینجا با واژه «سرّاً»، مخفیانه بودن سرقت را یکی از شروط تحقّق آن دانسته است. شهید ثانی نیز در تفصیل تعریف فوق از شهید اول بعد از واژه «سرّاً»، عبارت «من غیر شعور المالك» به کار برده است (شهید ثانی، ۱۳۸۶: ۱۳/۱۸۳)؛ با این توضیح که مالک مال مسروقه در حین سرقت از ربوده شدن مالش علم و اطلاع نداشته باشد. همچنین امام خمینی

ره) در کتاب تحریر الوسیله می گوید: «سرقت آن است که شخص بالغ و عاقل، مال متعلق به دیگری را که در جای محفوظ نگهداری می شود بدون اطلاع صاحبش آن را بر باید». در اینجا نیز فقیه مذکور، شرط عدم اطلاع مالک مال را که به نوعی مترادف با پنهانی بودن سرقت است، لازم دانسته است (خمینی، ۱۳۶۳: ۴۸۲). قید پنهانی بودن هر چند در تعریف سرقت در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰^۱ وجود داشت، اما در قانون مجازات فعلی حذف گردیده و این شرط در بند (ث) ماده ۲۶۸ قید گردیده است. بنابراین تعریف ماده ۲۶۷ شامل هر دو نوع سرقت حدی و تعزیری می شود و جهت تشخیص و احراز سرقت حدی نیز باید تمام شرایط چهارده گانه ماده ۲۶۸ موجود باشد.

رکن قانونی سرقت های تعزیری نیز شامل مواد ۶۵۱ الی ۶۶۷ و ذیل فصل بیست و یکم قانون تعزیرات و مجازات های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵ می باشد. همچنین جرم ربایش غیر از سرقت که موضوع اصلی بحث در این مقاله می باشد، در ماده ۶۶۵ قانون مذکور به این شرح مرقوم گردیده است: «هر کس مال دیگری را بر باید و عمل او مشمول عنوان سرقت نباشد، به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد و اگر در نتیجه این کار صدمه ای به مجنی علیه وارد شده باشد به مجازات آن نیز محکوم خواهد شد». همان طور که در صدر ماده ذکر گردیده، جرم موضوع این ماده مشمول سرقت نمی باشد و به همین سبب عبارت «ربودن مال غیر» به عنوان فصل بیست و یکم قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ اضافه شده است.

نکته مهمی که در اینجا باید اشاره نمود آن است که در صدر ماده ۶۶۵ عبارت «هر کس مال دیگری را بر باید ...» قید شده است که عیناً همان تعریف مقتن از سرقت در ماده ۲۶۷ ق.م.ا. ۱۳۹۲ می باشد. هر چند که در ادامه ماده آمده است که: «... و عمل او مشمول عنوان سرقت نباشد ...»، با این حال، قید مذکور نیز به تنهایی ضابطه ای جهت تفکیک این دو جرم ارائه نمی دهد. به عبارت دیگر، با بررسی و مقایسه مفاد این دو نص، نمی توان

۱. ماده ۱۹۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰: «سرقت عبارت است از ربودن مال دیگری به طور پنهانی».

افتراق دقیق بین دو جرم مورد اشاره و ملاکی برای تشخیص جرم موضوع ماده ۶۶۵ احراز نمود.

۲-۲- انطباق در رفتار و نتیجه مجرمانه

نظر مشهور بین فقهای امامیه آن است که سرقت عبارت از ربودن مخفیانه مال دیگری از حرز متناسب، پس از هتک آن است. با این تفسیر ربودن مال دیگری در صورت که واجد اجرای شرایط حدّ نباشد، از نظر فقهی ذیل عنوان سرقت قرار نمی گیرد. فقهای امامیه با بیان شرایط اجرای حدّ سرقت، ربودن از غیر حرز و ربودن علنی را از شمول تعریف سرقت خارج دانسته و آن را با عناوین دیگری از جمله «استلاب، اختلاس، اختطاف و احتیال» مورد حکم قرار داده اند که در ادامه به بررسی آنها خواهیم پرداخت. رکن مادی مشترک بین سرقت حدّی و سایر ربودن های غیر حدّی، ربودن مال غیر و خارج کردن آن از سلطه مالک می باشد؛ لکن جهت احراز سرقت حدّی شرایطی احصاء گردیده است که در صورت جمع این شرایط موجب تحقق حدّ سرقت بر مرتکب آن می شود و در صورت فقدان تمام یا برخی از این شرایط، ربایش از نوع تعزیری به شمار می آید. بدون تردید ربایش موضوع ماده ۶۶۵ ق.ت. از مصادیق ربودن تعزیری می باشد، اما با مجرد تحلیل و مقایسه منابع فقهی پیرامون شرایط تحقق سرقت حدّی و افتراق آن از سایر ربودن های غیر حدّی معیاری جهت رفع ابهام از نصّ ماده ۶۶۵ حاصل نمی شود.

از لحاظ تقنینی نیز اشاره گردید که ماده ۲۶۷ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ مربوط به تعریف جرم سرقت می باشد. این تعریف با تأکید بر رکن مادی مشتمل بر رفتار «ربایش» و شرایط ضروری قانونی مقدم یا مقارن با رفتار، یعنی «تعلق مال موضوع جرم به دیگری»، از سوی مقنن ارائه شده است. بنابراین در نگاه مقنن، مجرد عمل ربایش با موضوعیت مال متعلق به دیگری، بزه سرقت محقق است. با بررسی ماده ۶۶۵ ق.ت. مصوب ۱۳۷۵ نیز مشخص می شود که رکن مادی این جرم، مشابه با سرقت موضوع ماده ۲۶۷ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ می باشد. بدین توضیح که هر دو نوع این جرایم در اوصاف «ربودن، تعلق مال موضوع جرم به دیگری و برداشتن مال از تصرف مالک یا تصاحب آن» به عنوان رکن مادی مشترک می باشند؛ از اینرو با مبنا قرار دادن این گزاره تقنینی قطعی که «سرقت عبارت از ربودن

مال متعلق به غیر است»، با این تعارض ظاهری در ماده ۶۶۵ مواجه خواهیم شد که چگونه ممکن است شخصی مال دیگری را برآید و عمل او مشمول عنوان سرقت نباشد؟ چرا که در ماده ۲۶۷ توسط مقنن تصریح گردیده که سرقت، «ربایش» «مال دیگری» است و هر دو شرط مورد نظر در رفتار مرتکب جرم موضوع ماده ۶۶۵ نیز وجود دارد؛ بنابراین در این مرحله نیز شاهد تطبیق و اتحاد بزه سرقت و ربایش موضوع ماده ۶۶۵ در قسمت رکن مادی هستیم.

۳-۲- تحلیل قصد مرتکب

در متون فقهی از جمله شرایط ضروری وجوب حد سرقت، به لزوم وجود رکن روانی در سارق اشاره شده است. شهید ثانی در کتاب شرح لمعه می گوید: «و یتعلّق الحکم و هو هنا القطع بسرقة البالغ العاقل المختار من الحرز بعد هتکة و ازالته بلا شبهة موهمة للملك عارضه للسارق او للحاکم کما لو ادعی السارق ملکة مع علمه باطناً بأنه لیس ملکة ربع دينار» (شهید ثانی، ۱۳۸۶: ۱۳/۱۸۳). در اینجا عقل و اختیار (علم و قصد) و عدم شبهه ملکیت به عنوان شرایط احراز رکن روانی سارق احصاء شده است. البته به نظر می رسد همین موارد در سایر ربودن های غیر از سرقت نیز ضروری می باشد.

در مقایسه دو جرم سرقت و ربایش ماده ۶۶۵ در بستر حقوق کیفری عمومی، هرچند هیچ تعریف و تبیین تقنینی مشخصی در مقام فهم و دریافت رکن روانی بزه سرقت وجود ندارد، اما مطابق با مبانی و اصول حاکم بر حقوق کیفری و کلیات شناسی جرایم، این جرم در بخش رکن روانی، ۱- مستلزم ارادی بودن رفتار است که با قرائتی حقوقی به سوء نیت عام از آن تعبیر می شود (شمس ناتری و عبدالله یار، ۱۳۹۰: ۳۰)؛ ۲- علم مرتکب به معنی آگاهی وی به تعلق مالکیت مال به دیگری است، که هر دو مورد شامل ارادی بودن در معنی تحرک آگاهانه عضلانی در انسان و آگاهی مرتکب به عدم تعلق مال به خودش از ضروریات مبتنی بر اصول و نص است (آخوند خراسانی، ۱۴۱۰: ۳۴۳). بنابراین حتی در بخش عنصر روانی نیز شاهد مطابقت دو جرم سرقت و ربایش غیر سرقت در بخش های اساسی هستیم؛ و لذا آن چه در این مرحله به عنوان آخرین بخش از عنصر روانی مورد

توجه خواهد بود، نتیجه قهری عمل سرقت است که باید متعلق قصد مرتکب قرار گیرد و در ادبیات حقوق کیفری عمومی از آن به «سوء نیت خاص» تعبیر می شود (محسنی، ۱۳۹۷: ۳۵۸).

با تأکید بر ادبیات مقنن در تعریف نتیجه قهری، مستنبط از عنصر قانونی که در بند «ر» ماده ۲۶۸ قانون مجازات اسلامی با عبارت «تحت ید» مورد تأیید قرار گرفته است، قصد نتیجه در بزه سرقت عبارت است از «خارج کردن مال از تسلط مالک یا متصرف قانونی». بنابراین دیگر تعابیری همچون «محروم ساختن مالک از مال و مالکیت» که در برخی منابع حقوقی مطرح گردیده است (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۲: ۲۶۹)، مطابقت کاملی با مقوله سوء نیت خاص در جرم سرقت ندارد. این عدم مطابقت، مبتنی بر این تحلیل است که اولاً، به صرف ربایش، مالک از مال و مالکیت خود محروم نخواهد شد و مالکیت وی که امری قانونی است صرفاً در چارچوب های مشخص حقوقی مانند عقد و ایقاع منتقل یا زایل می شود و تا پیش از آن، مورد حمایت قانون خواهد بود. ثانیاً، متبادر از مفهوم محرومیت، نوعی عدم النفع مرتبط با مالکیت است؛ لکن در برخی فروض سرقت حتی با وجود ربایش راهکارهای جایگزین دیگری متصور است که مانع از تحقق وصف محروم شدن مالک در مفهوم واقعی آن خواهد شد که پذیرش این ضابطه به عنوان سوء نیت خاص منجر به خروج بی دلیل برخی موارد از دامنه تعریف قانونی سرقت خواهد شد. ثالثاً، در تعیین سوء نیت خاص به پل ارتباطی میان مرتکب و نتیجه، یعنی قصد و اراده تحقق آن قصد توجه شده است و این امر، متفاوت از تبعات مادی نتیجه جرم از جمله محرومیت مالک از حقوق عینی مالکیت مانند تصرف وی در مال است. به بیان دیگر، خروج مال از سلطه مالک به عنوان نتیجه جرم سرقت، متفاوت و مقدم بر تصرف وی می باشد و شرط تصرف در مال، به عنوان یکی از حقوق مالک که به واسطه سرقت از آن محروم گردیده، سلطه مالک بر مال است و محروم شدن مالک صرفاً نتیجه تبعی و غیر مستقیم و ثانویه خارج ساختن مال از سلطه او می باشد. توضیحات فوق نیز در رابطه با عنصر روانی مرتکب جرم ربایش ماده ۶۶۵ صادق است و به عبارتی، وجه تمایز یا افتراقی در رابطه با مرتکبین دو جرم مورد بحث، از نظر عنصر روانی، قابل احراز نمی باشد. در نهایت، اینگونه استنتاج می شود که

قصد خاص در هر دو مورد سرقت و ربایش غیر سرقت عبارت است از «خارج کردن مال از سلطه مالک» و محروم ساختن اعم از موقت و دائمی مالک از مال، سوء نیت خاص تلقی نمی شود. بنابراین حتی در قسمت سوء نیت خاص یا قصد نتیجه نیز شاهد مطابقت عنصر روانی بزه سرقت و ربایش غیر سرقت هستیم.

۳- بازتاب چالش در دکترین حقوقی

پس از بررسی ارکان دو جرم پیش گفته به نظر می رسد اساساً وصف کیفری ربایش به معنا و مفهومی که در چارچوب نگارشی ماده ۶۶۵ از قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ وجود دارد، مصداق دقیق و صحیح نظری نداشته و تمامی مواردی که در بستر این مستند قانونی به عنوان جرم «ربایش غیر سرقت» مدنظر قرار می گیرد، در دوران بین «جرم نبودن عمل» یا «سرقت ساده تعزیری» قابل بحث و بررسی است. در این بخش برخی مصادیقی شایع در منابع حقوقی و چالش های نظری آن در جهت تبیین این دیدگاه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۳-۱- ربایش در علن

در بخش های قبلی ذکر شد که در فقه امامیه، ربودن مال دیگری به صورت علنی، به جهت فقدان شرط مخفیانه بودن، سرقت محسوب نمی شود و لذا محلی جهت اجرای حد وجود ندارد. مطابق با روایت منقول از علی بن ابراهیم، از والد ایشان، از نوفلی، از سکونی، از ابی عبدالله (ع): «انّ امیرالمومنین (ع) اتی برجل اختلس دره من اذن جاریه، قال: هذه الدغاره المعلنه، فضربه و حبسه: مردی را نزد امیرالمومنین (ع) آوردند که گوشواره ای را از گوش دختر بچه ای ربوده بود. حضرت فرمودند: این ربودن علنی است، پس او را زد و حبس کرد» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۲۶/۷). منظور از دغاره المعلنه، ربودن آشکار و علنی است؛ نتیجه آن که حضرت علی (ع) این نوع ربودن را مصداق سرقت غیر حدی می دانسته است و بدین سبب، حکم حبس و ضرب تعزیری (مانند شلاق) را تعیین و اجرا می نماید.

بین حقوقدانان ممکن است دیدگاه و مصداق مورد اشاره منطبق بر ربایش موضوع ماده ۶۶۵ مطرح شود، به نحوی که ناظر به مواردی است که ربایش به صورت آشکار و

همراه با آسیب جسمی به صورت اتفاقی یا قصد آسیب جسمی با علم به وقوع آن، نسبت به بزه دیده ارتکاب یابد. این تحلیل بیش از هر چیز بر فراز پایانی این مستند قانونی استوار است. در واقع، تأکید مقنن بر ضمانت اجرای مستقل^۱ مربوط به صدمات جسمانی ناشی از ارتکاب این جرم حکایت از شکل ارتکاب آن، یعنی به طور آشکار و مواجهه مستقیم با بزه دیده دارد. این تحلیل نیز بنا به دلایل ذیل محل اشکال است: اولاً، ربایش در قالب تخلیه محتویات جیب و اموال همراه بزه دیده با استفاده از غفلت مستمر وی تحت عنوان «جیب بری» و ربایش قهر آمیز اموال همراه بزه دیده با استفاده از غفلت موقتی بزه دیده تحت عنوان «کیف قاپی» در ماده ۶۵۷ ق.ت. مصوب ۱۳۷۵ به صورت مستقل جرم انگاری گردیده است؛ بنابراین قطعاً منظور قائلین به این دیدگاه، ربایش با اشکال مذکور نخواهد بود و صرفاً نوع ربایش قهر آمیز اموال در مواجهه مستقیم با بزه دیده «بدون غفلت» که منجر به مقاومت احتمالی وی خواهد شد، ظرفیت ایجاد آسیب جسمی را در بزه دیده خواهد داشت. این رفتار به طور قطع مشمول ماده ۶۵۲ از قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ تحت عنوان سرقت مقرون به آزار خواهد بود؛ هر چند ممکن است کیف قاپی و جیب بری نیز همراه با آسیب جسمی باشد. از طرفی با پذیرش این دیدگاه، چنین ربایشی که از حیث شیوه ارتکاب و آسیب به بزه دیده با شدت عمل بیشتری همراه است و از نقطه نظر جرم شناسی بالینی در مواردی نشان دهنده درجاتی از حالت خطرناک^۱ در مجرم است با مجازات خفیف تری (شش ماه تا یک سال حبس) در مقایسه با کیف قاپی و جیب بری (یک تا پنج سال حبس و ۷۴ ضربه شلاق) مواجه خواهد شد، که مؤید نادرستی این تفسیر است. بنابراین به نظر می رسد هر اقدامی در ربایش آشکار و غیر آشکار اموال اشخاص، دارای مستند قانونی خاص^۲ است که ارتباطی با ماده ۶۶۵ ندارد.

۲-۳- ربایش مقرون به استرداد

مسئله ربایش موقتی مال در متون فقهی مورد بحث گسترده قرار نگرفته و تنها برخی از فقیهان معاصر در این رابطه اظهار نظر نموده اند. آیه الله مکارم شیرازی در پاسخ به این پرسش که «آیا قصد محروم کردن دایمی در سرقت شرط است؟» مرقوم نموده اند: «چنان

چه یقین داشته باشیم که سارق به قصد تملک بر نداشته، بلکه قصد داشته موقتاً از آن استفاده کند و بازگرداند، احکام سرقت جاری نمی شود ولی تعزیر دارد» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵: ۳/۳۷۸). برخی از حقوقدانان، ربایش توأم با قصد استرداد بعدی آن به مالک و بدون قصد محروم ساختن دائمی مالک را از مصادیق ربایش موضوع ماده ۶۶۵ قانون تعزیرات قلمداد می کنند (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۲: ۲۶۹). این دیدگاه از جهات مختلفی محل نقد و تأمل جدی است، از جمله این که اولاً: همان گونه که اشاره شد اساساً محروم ساختن مالک از مال، به عنوان سوء نیت خاص جرم سرقت صحیح نمی باشد. بر همین اساس، طرح دو فرض محروم ساختن دائم و موقت و بر این اساس تطبیق با بزه ربایش در مواردی که قصد مرتکب، محروم ساختن موقت مالک است، سالب به انتفاء موضوع تلقی می شود. ثانیاً: مطابق با قواعد بنیادین حقوق کیفری، در هر جرمی تلاقی و تقارن سه رکن قانونی، مادی و معنوی ضروری است. هر چند در مورد اخیر اختلاف دیدگاه حقوقی متصور است و این بدان معناست که رکن معنوی مطابق یا مستنبط از تعریف مقنن، در زمان تحقق دو رکن دیگر، ملاک و مناط وقوع جرم است و لذا در صورتی که قصد خارج کردن مال از سلطه مالک با ندامت و پشیمانی بعدی مرتکب همراه شود، اثری بر تحقق جرم سرقت ندارد و چنان چه مقارن با قصد خارج کردن مال از سلطه مالک چنین قصدی در مرتکب وجود داشته باشد، به عنوان «قصد زاید شخصی» منشأ اثر نخواهد بود. در واقع، قصد خاص مجرمانه، به تبع تعریف قانونگذار از یک جرم مشخص می شود و به تعبیری، قصد مجرمانه امری «تقنینی» است و همین میزان از قصد با همان کیفیت موردنظر، کافی برای تحقق جرم است و الحاق قیود شخصی از ناحیه مرتکب از جمله استرداد مال بعد از استفاده، معدوم کردن آن، اجازه گرفتن بعدی از مالک، هیچ یک مورد توجه قانونگذار نبوده است و بالطبع تأثیری در تحقق یا عدم تحقق جرم سرقت ندارند. ثالثاً: با توجه به این که قصد در زمره امور غیر مادی و ذهنی است عملاً هیچ مکانیزم مشخص

حقوقی بجز اقرار مرتکب در خصوص احراز آن پیش بینی نگردیده است،^۱ بنابراین در صورت پذیرش این دیدگاه با این چالش اثباتی در مراجع قضایی مواجه خواهیم بود که در صورت طرح ادعای قصد بازگرداندن مال از سوی متهمین بزه سرقت بر خلاف قصد خاص اولیه (خارج کردن مال از سلطه مالک که به طور نسبی با قرائن و امارات و نحوه ارتکاب رکن مادی قابل احراز است) عملاً در غالب موارد، امکان ارزیابی این ادعا را در اختیار نخواهیم داشت. بنابر توضیحات مذکور، پذیرش ربایش مورد بحث به عنوان جرم موضوع ماده ۶۶۵ بعید به نظر می رسد.

۳-۳- ربایش غیر مقبوض (حقوق معنوی)

در ابتدای بحث لازم است مفهوم حقوق معنوی روشن شود. در تعریف حقوق معنوی آمده است: «حقوقی است که به صاحب آن اجازه می دهد منافع و شکل خاصی از کار و فکر انسان به انحصار استفاده کند» (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۲۷۱). البته این حقوق نیز می تواند دارای ارزش مالی باشد هرچند موضوع آن، اشیاء عالم خارج نیست بلکه حاصل اندیشه و فکر انسان است؛ مانند حقی که یک هنرمند یا مؤلف نسبت به اثر خود دارد. از جمله قوانین حامی این دسته از حقوق می توان به قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان، قانون حمایت از حقوق هنرمندان و قانون مطبوعات اشاره نمود.

سؤالی که ممکن است در این رابطه مطرح شود آن است که آیا حقوق معنوی قابل ربایش می باشند یا خیر؟ و اگر پاسخ مثبت بوده، آیا می توان چنین ربایش هایی را مشمول ربایش ماده ۶۶۵ دانست؟ به نظر می رسد که حقوق معنوی مانند حق تألیف قابل ربایش می باشد و مؤید آن قوانینی است که این رفتار را جرم انگاری نموده اند. به عنوان نمونه، می توان به تبصره ۱ ماده ۶ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ اشاره نمود. بدین شرح که: «سرقت ادبی عبارت است از نسبت دادن عمدی تمام یا بخش قابل توجهی از آثار و نوشته های دیگران به خود یا غیر ولو به صورت ترجمه».

۱. شهادت و ... جملگی ناظر به امور مادی حسی است و صرفاً در حدود انتساب رکن مادی مؤثر هستند.

لازم به توضیح است که ممکن است که از این ماده استنباط شود که حقوق معنوی تنها زمانی که روی سندی نوشته شود سرقت محسوب می شود، لکن در اینجا شفاهی یا کتبی بودن اثر یا حقوق معنوی قابل ربایش مهم نیست (شاکری، ۱۳۹۸: ۶۶۳). در پاسخ به قسمت دوم سؤال مذکور با در نظر داشتن دو واژه «ربایش» و «مال» در ماده ۶۶۵، جواب منفی می باشد؛ زیرا هم از لحاظ تفسیر منطوقی و محدود از نصّ مورد اشاره، و هم در نظر داشتن عرف جهت تشخیص مصادیق ماده، عمل ربایش صرفاً در رابطه با عین مال امکان پذیر است و شامل حقوق و منافع ناشی از آن نمی شود. از طرفی، حقوق معنوی تا زمانی که روی سند تحریر نشده باشند با توجه به عبارت «هرکس مال دیگری را بر باید ...» در ماده ۶۶۵، مال محسوب نشده که قابلیت ربایش داشته باشد. ضمناً چنان چه این دسته از حقوق نیز روی سند تحریر شوند حسب مورد، مشمول سرقت های تعزیری ساده یا مشدد می باشد، نه ربایش موضوع ماده ۶۶۵. البته لازم است به این نکته نیز اشاره شود که به کاربردن وصف سرقت یا ربایش در مورد حقوق معنوی (با توجه به این که این الفاظ اصالتاً در خصوص عین مال به کار می روند) از باب تسامح و مجاز است؛ بنابراین سرقت یا ربایش حقوق معنوی را نیز نمی توان مشمول جرم موضوع ماده ۶۶۵ دانست.

۴-۳- مصادیق مستعد تطبیق

علاوه بر موارد فوق که مطابق با دکترین حقوقی و نظریات عده ای از حقوقدانان به عنوان مصادیق احتمالی جرم ربایش موضوع ماده ۶۶۵ تحلیل گردید، در ادامه برخی دیگر از مصادیق که عمده‌تاً واجد مبنای فقهی می باشد، مورد بررسی قرار می گیرد.

۱- ۴-۳- استلاب (اخذ به عنف): این واژه در علم لغت به معنای کندن، گرفتن مال به زور و آشکار، غارت کردن، قاپیدن و فرار کردن است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۱۹/۱؛ طریحی، ۱۴۱۶: ۸۳/۲-۸۴). در فقه، برخی از فقها بر این عقیده اند که «مستلب، کسی است که مال را به صورت علنی می رباید و فرار می کند، در حالی که محارب نیست» (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۲۰/۱۵). صاحب جواهر نیز می گوید: «منظور از استلاب،

غارت مال و فرار کردن است، بدون این که از طریق سلاح کشیدن و امثال آن محاربه کند» (نجفی، ۱۴۰۴: ۵۹۶/۴۱).

عده ای دیگر از حقوقدانان با توسل به فراز نهایی ماده ۶۶۵ (اگر در نتیجه این کار صدمه ای به مجنی علیه وارد شود ...)، اخذ به عنف یا گرفتن آشکار و با قهر و غلبه اموال متعلق به غیر را تحت شمول نص مذکور، تفسیر و تلقی می نمایند (الهام، ۱۳۷۹-۱۳۸۰: ۳۰). استدلال این گروه آن است که سرقت در حقوق جزای اسلام همیشه مخفیانه یا توأم با پنهان کاری بوده است و فقها ربایش های علن و آشکار را ذیل عناوین دیگری مورد بحث قرار داده اند. به همین سبب، به نظر می رسد که مقنن جهت تأمین نظر فقها و در اجرای اصل ۴ قانون اساسی مبنی بر تطبیق احکام و قوانین موضوعه با مبانی اسلامی، در کنار دیگر مواد سرقت به ماده ۶۶۵ قانون تعزیرات نیز اشاره نموده است. بنابراین استلاب یا اخذ به عنف می تواند مصداق ماده مذکور تلقی شود. اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه مشورتی شماره ۷/۱۲۲ - مورخ ۱۳۷۶/۶/۶ نیز چنین عقیده ای را مورد پذیرش قرار داده است.^۱

البته این نظر نیز خالی از اشکال نمی باشد، زیرا اولاً: همچنان این ابهام در ماده وجود دارد که چه نوع ربودنی است که در واقع سرقت نیست، ولی توأم با عنف است؟ چرا که سرقت نیز می تواند توأم با عنف باشد.^۲ ثانیاً: ماده ۶۵۲ ق. ت. ۱۳۷۵ تکلیف سرقت های

^۱ نظریه شماره ۷/۱۲۲ - مورخ ۱۳۷۶/۶/۶ اداره کل حقوقی قوه قضاییه: «بین سرقت و گرفتن و ربودن مال به عنف چه از نظر لغوی و چه عرفی تفاوت است. در سرقت پنهان کاری و هتک حرز شرط است و حال اینکه در ربودن و اخذ مال مردم به زور هیچکدام شرط نیست. اگر جانی، بسته یا شیئی را از دست صاحبش به زور اخذ و فرار کند مفهوم سرقت صادق نیست و از نظر تبعات کیفری هم با یکدیگر فرق دارد و فرق بین ماده ۶۵۷ و ۶۶۵ ق. م. ا. به این جهت است که ربودن مال غیر از طریق جیب بری و کیف زنی، بردن مال در جیب یا کیف که یک نوع حرز به حساب می آید و هکذا در امثال این دو که مال در نوعی از حرز است، عمل شبیه سرقت است و لکن ماده ۶۶۵ صرف ربودن بدون این که مال در حرز باشد بوده و این موضوع مدنظر قانونگذار بوده است و از نظر مجازات بین ماده ۶۵۷ و ۶۶۵ فرق قائل گردیده است».

^۲ ماده ۶۵۲ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵: «هرگاه سرقت مقرون به آزار باشد و یا سارق مسلح باشد به حبس از سه ماه تا ده سال و شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم می شود و اگر جرحی نیز واقع شده باشد علاوه بر مجازات جرح به حداکثر مجازات مذکور در این ماده محکوم می گردد».

مقرون به آزار یا عنف^۱ را مشخص نموده است که در این موارد با توجه به این که عنف و آزار علیه مالباخته صورت می گیرد، ایشان شاهد و ناظر عمل سرقت است و بنابراین سرقت علاوه بر آن که توأم با عنف و آزار بوده، علنی و آشکار نیز می باشد؛ در نتیجه، اخذ به عنف نیز می تواند مشمول ماده ۶۵۲ باشد و نمی توان گفت مصداق انحصاری جرم موضوع ماده ۶۶۵ است. شاید ایراد شود که با تدقیق در مفهوم عبارت «اخذ به عنف»، آن چه که به ذهن متبادر می شود گرفتن مال دیگری با توسل به زور است و با سرقت مقرون به آزار موضوع ماده ۶۵۲ متفاوت است که ایراد نیز با توجه به ابهام مورد اشاره و وجود ماده ۶۶۱ در قانون تعزیرات وارد نمی باشد.^۲

۲-۴-۳- اختلاس، اختطاف و طرّاری

اختلاس: از نظر برخی فقها اختلاس عبارت است از این که شخص، مال متعلق به غیر را به نحو مخفیانه از غیر حرز بریاید (شهید ثانی، ۱۴۱۲: ۳۸۰) هر چند که باید اشاره نمود در قوانین کیفری^۳ اختلاس عبارت از «تصاحب و بردن وجه یا مال متعلق به دولت یا مأموران خدمت عمومی، اعم از رسمی و غیررسمی و سایر نهادهای انقلابی می باشد». بدیهی است که در اختلاس فقهی، این نوع ربایش با توجه به این که فاقد شرط داشتن مال در حرز است، سرقت حدّی محسوب نمی شود. همچنین تنها ماده ای که می توان این نوع

۱. در لسان عرف، توسل به عنف در حین سرقت نیز نوعی آزار در حین سرقت است و رابطه عموم و خصوص مطلق بین این دو وصف متصور می باشد.

۲. ماده ۶۶۱ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵: «در سایر موارد که سرقت مقرون به شرایط مذکور در مواد فوق نباشد مجازات مرتکب، حبس از سه ماه و یک روز تا دو سال و تا (۷۴) ضربه شلاق خواهد بود».

۳. ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷: «هر یک از کارمندان و کارکنان ادارات و سازمان ها و یا شوراهای و یا شهرداری ها و مؤسسات و شرکت های دولتی و یا وابسته به دولت و یا نهادهای انقلابی و دیوان محاسبات و مؤسساتی که به کمک مستمر دولت اداره می شوند و دارندگان پایه قضائی و بطور کلی قوای سه گانه و همچنین نیروهای مسلح و مأمورین به خدمات عمومی اعم از رسمی یا غیررسمی وجوه یا مطالبات یا حواله ها یا سهام یا اسناد و اوراق بهادار و یا سایر اموال متعلق به هر یک از سازمان ها و مؤسسات فوق الذکر و یا اشخاص را که بر حسب وظیفه به آنها سپرده شده است به نفع خود یا دیگری برداشت و تصاحب نماید مختلس محسوب و به ترتیب زیر مجازات خواهد شد ...».

ربایش را بر آن منطبق دانست ماده ۶۶۱ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ می باشد؛ زیرا ماده ۶۶۵ شامل ربودن غیر از سرقت است و اختلاس فقهی سرقت غیر حدی محسوب می گردد.

اختطاف: این واژه نیز از ریشه «خطف» به معنای «ربایش سریع و ناگهانی مال متعلق به غیر توأم با زور و غارت است» (نجفی، ۱۳۹۷: ۵۹۷/۴۱-۵۹۶). در لسان فقها، تفاوت اختطاف و استلاب در آن است که در اختطاف، ربودن سریع و با استفاده از غفلت صاحب مال است؛ اما در استلاب، غفلتی در کار نیست و ربودن مال توأم با قهر و غلبه است (الفیومی، ۱۴۰۵: ۶۵۳). این نوع ربودن مطابق با تعریف «سرقت» در مورد ۲۶۷ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ است. به عبارت دیگر، سرقت غیر حدی محسوب می شود، نه ربودن غیر از سرقت موضوع ماده ۶۶۵ و از آنجا که اختطاف هیچ یک از شرایط مذکور در فصل بیست و یکم قانون مجازات اسلامی را ندارد مشمول ماده ۶۶۱ قانون تعزیرات یعنی سرقت ساده می شود.

طرّاری: طرّاری از «طرّ» به معنای بریدن و پاره کردن گرفته شده است و طرّار، کسی است که مال را ناگهانی و از غفلت صاحبش می دزدد، یا آن کس که جیب را می برد و محتوای آن را بر می دارد (ابن اثیر، ۱۳۸۴: ۱۱۸/۳). در فقه، مرتکب این عمل را طرّار یا نشال می نامند. با توجه به اختلاف نظری که بین فقها در خصوص امکان جاری شدن حدّ قطع ید در مورد طرّار وجود دارد در نهایت، این رفتار تحت عنوان خاصّ مورد بحث قرار گرفته است.

با درنظر گرفتن مفهوم فقهی این عمل، طرّاری همان کیف قاپی و جیب بری است که در ماده ۶۵۷ ق.ت. مصوب ۱۳۷۵ پیش‌بینی شده است.^۱ از آنجایی که ماده مذکور، کیف قاپی و جیب بری را به صراحت مورد جرم انگاری قرار داده و با عبارت «امثال آن»، محدوده مصادیق را توسعه داده است می توان استنباط نمود که با وجود چنین نصّی نمی توان به ماده ۶۶۵ استناد نمود.

^۱ - ماده ۶۵۷ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵: «هر کس مرتکب ربودن مال دیگری از طریق کیف‌زنی - جیب‌بری و امثال آن شود به حبس از یک تا پنج سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.»

در این بخش با توجه به این که در منابع فقهی گوناگون رفتارهای استلاب، اختلاس، اختطاف، و طراری در قسمت تعریف و مصادیق به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است بنابراین سعی گردید صرفاً در محدوده ای که مربوط به امکان یا عدم امکان شمول ماده ۶۶۵ ق.ت. مصوب ۱۳۷۵ براین رفتارها می باشد، نقد و بررسی لازم و مختصر به عمل آید.

۴- واکنش قضایی

در رابطه با جرم موضوع ماده ۶۶۵ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ باید عنوان نمود که این ماده تا قبل از تصویب قانون مذکور، هیچگونه سابقه تقنینی در حقوق کیفری ایران نداشته است. حقوقدانان نیز به صورت دقیق به بررسی این مستند قانونی نپرداخته‌اند و در مواردی بدون تحلیل ارکان تشکیل دهنده این جرم، صرفاً به صورت کلی برخی از مصادیق ربودن را مشمول این ماده دانسته‌اند. همچنین به جهت برخی از ابهامات کلی که در این ماده وجود دارد، رویه قضایی ما نیز به صورت خاص نسبت به این موضوع ورود نکرده است. به نظر می‌رسد ربایش موضوع ماده ۶۶۵ ق.ت. مصوب ۱۳۷۵ نه به عنوان آخرین محمل قانونی جهت تفهیم اتهام به یک سارق، بلکه بزهی مشابه سرقت اما متفاوت در برخی شرایط آن است و بر همین اساس نقد جدی به رویه قضایی در نحوه استفاده و استناد به این مستند قانونی وارد است. به این نحو که در برخی تصمیمات محاکم کیفری بعضاً مشاهده می‌گردد که در صورت توجه اتهام سرقت به اشخاص، چنان چه عمل انتسابی با هیچ یک از موارد و مصادیق مشدده احصایی توسط مقنن، قابلیت تطبیق را نداشته باشد به ناچار ماده ۶۶۵ از قانون تعزیرات را به عنوان عنصر قانونی عام سرقت بر می‌گزینند.

در ادامه بر آن هستیم که مشخص شود رویه قضایی کشور ما چه مواضعی در قبال نص قانونی مورد اشاره اتخاذ کرده است، به این نحو که: ۱- آیا اساساً این نص را به رسمیت شناخته و اجرا می‌گردد یا این که نص مذکور عملاً منسوخ یا متروک شده است؟ ۲- اگر ماده قانونی مورد بحث، منسوخ نگردیده در چه مقیاسی و به چه نحو مورد استفاده قرار می‌

گیرد؟ ۳- همچنین آن که به چه سبب در سال های اخیر، استفاده از این مستند قانونی به تدریج محدود گردیده است؟

۱-۴- نصّ متروک

محاكم كیفری طی سالیان اخیر، استفاده خود را از مقررّ قانونی مورد بحث به حداقل رسانده اند، به نحوی که شاید تصوّر شود این ماده اساساً به صورت صریح یا ضمنی منسوخ شده باشد؛ لکن این فرض قابل قبول نمی باشد، زیرا عدم تمایل محاکم قضایی به استفاده از یک نصّ قانونی را نمی توان دلیلی بر نسخ آن مقررّ تلقی نمود. در تقویت این ادعا می توان به ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ اشاره نمود که ناظر به ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بوده و تحت شرایطی جرم ربودن موضوع ماده ۶۶۵ را قابل گذشت تلقی نموده است؛ از اینرو نمی توان به نسخ این مقررّ قانونی قائل شد.

البته به نظر می رسد که این مقررّ قانونی تا حدّ زیادی متروک مانده است. منظور از قانون متروک، قانونی است که با وجود قابلیت و امکان اجرا، در دادگاه ها و دیگر نهادهای مجری قانون به آن عمل نمی شود. به همین سبب، معیار ترک قانون، عدم اجرای آن توسط نهادهای رسمی و مجری قانون است (میرزایی، ۱۳۹۰: ۸۴).

به نظر می رسد محاکم قضایی برای عدم استفاده از این مقررّ قانونی توجیهات و دلایلی داشته باشند که برخی از آنان عبارتند از: ۱- برخی ابهامات که بر روح ماده ۶۶۵ حاکم است و شرح آن پیش از این گذشت. ۲- قضات به جهت مصون ماندن از مسئولیت های قانونی (انتظامی) و شرعی در به کارگیری و اجرای مفادّ ماده مذکور، احتیاط و اجتناب می نمایند؛ زیرا چه بسا مراجع نظارتی و ارزشیابی مافوق قاضی، ربایشی را که ایشان مصداق ماده ۶۶۵ تلقی نموده است، خلاف آن را عقیده داشته باشد. مثلاً برخی ربایش ها را اساساً جرم تلقی نکرده و به همین خاطر، موجب تخلف یا مسئولیت قانونی یا انتظامی برای قاضی شود. از نظر شرعی نیز با توجه به این که اکثریت قضات کشور در واقع، قضات مأذون یا غیر مجتهد می باشند - هرچند که ماده ۶۶۵ پس از تصویب مجلس به لحاظ عدم تقابل با شرع به تأیید شورای نگهبان رسیده است - بنابراین قضات محاکم با

عنایت به نارسا بودن شیوه تقنینی این ماده و به جهت عدم مسئولیت شرعی ناشی از اشتباه در تطبیق رفتار مجرمانه با مفاد ماده، ترجیح می‌دهند تا حد امکان از استناد به آن اجتناب و در این رابطه، احتیاط را ملاک عمل قرار دهند. با اوصاف مذکور، این مقاله در ادامه به دنبال آن است که نص مذکور را از حالت متروک خارج نموده و با ضوابط و معیارهایی که ارائه می‌شود، قابلیت استناد پیدا نماید.

۲-۴- وحدت یا کثرت رویه

رویه قضایی در اصل، متأثر از نصوص قانونی و دکترین حقوقی است. همانگونه که اشاره شد جرم موضوع ماده ۶۶۵ ق.ت. مصوب ۱۳۷۵ از دوجنبه مذکور دارای ابهام اجمالی و نارسایی‌هایی است. رویه قضایی کشور ما در قبال ماده ۶۶۵ موضع صریح و واحدی را اتخاذ نکرده است و تاکنون اجماعی در خصوص مصادیق این ماده حاصل نشده است؛ اگر هم در بعضی آراء شاهد آن هستیم که برخی رفتارهای مجرمانه به عنوان مصداق این ماده معرفی شده است، عموماً قابلیت تطبیق با شرایط قانونی این ماده را نداشته یا مشمول مواد قانونی دیگری مانند سرقت ساده ماده ۶۶۱ یا سرقت مقرون به آزار ماده ۶۵۲ و سایر مواد قانونی می‌باشد. گاهی مشاهده می‌گردد که برخی محاکم به تأسی از نظر عده‌ای از اساتید حقوق، ربایش موقت مال را بدون قصد محرومیت دائمی مالک، مصداق این ماده تلقی می‌نمایند که تحلیل این دیدگاه قبلاً ارائه گردید. عده‌ای دیگر از محاکم قضایی، ربایش اسناد متعلق به غیر را که به اعتقاد رباینده، موجب براءت قانونی وی از پرداخت دین مالی می‌گردد مشمول ماده مذکور می‌دانند.^۱ همچنین گروه دیگری از

۱. رأی شماره ۹۸۰۹۹۷۶۶۲۸۴۰۰۸۸۴ موضوع پرونده کلاسه ۹۷۰۹۹۸۶۳۷۳۰۰۱۴۱ مورخ ۱۳۹۸/۰۹/۲۰ صادره از شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری دو شهرستان چگنی: «... متهم در جلسه رسیدگی دادگاه متوجه چهار فقره سند عادی در زیر صندلی خواهان (که ظاهراً وکیل شاکی این پرونده بوده) می‌شود و با استفاده از غفلت وی و اتمام جلسه رسیدگی، رسیدهای مورد نظر را تصرف و با این انگیزه که خواهان (شاکی این پرونده) مستحق دریافت وجوه مربوطه نمی‌باشد و پیش از آن بدهی خود را به وی پرداخت کرده است و خواهان مطالبه مکرر دین نموده است، اسناد و رسیدها را تصاحب می‌نماید... مستنداً به ماده ۶۶۵ از قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ مرتکب را به تحمل شش ماه حبس تعزیری محکوم می‌نماید...».

قضات محاکم کیفری، زمانی که شخص (الف) به دنبال ورود قانونی ضابطین دادگستری به منزل شخص (ب)، به جهت نسبت خویشاوندی با شخص (ب) در ابتدا به منظور بررسی مسأله، در منزل ایشان حاضر شده و سپس در اثر غفلت شخص (ب) اسناد و مدارک وی را می رباید، نیز مصداق ماده مورد بحث می دانند.^۱

اگر بخواهیم واکنش رویه قضایی در قبال این جرم را تحلیل نمایم باید گفت که رویه محاکم قضایی کیفری به این نحو است که ماده مذکور به ندرت مورد استفاده قرار می گیرد و در همان مقدار محدود که به این ماده استناد می شود نیز اتفاق نظر وجود ندارد. البته این تنوع در دیدگاه، به معنای کثرت رویه در ابعاد گسترده در استفاده از این نص قانونی نیست.

۵- تحلیل در بستر ابعاد شرعی، قانونی و عرفی مالیت

در بخش های پیشین مقاله مشخص شد که از طریق مقایسه و تطبیق ارکان قانونی، مادی و معنوی دو جرم ربایش موضوع ماده ۶۶۵ و جرم سرقت نمی توان به افتراق آنها و ارائه ملاک برای تعیین مصادیق موضوع ماده ۶۶۵ دست یافت؛ همچنین دکترین حقوقی و رویه قضایی نیز در این راستا قادر به ارائه راهکاری جهت رفع چالش مورد اشاره نبوده است. حال سؤال مهم آن است که برای نیل به این مقصود می بایست از چه زاویه ای موضوع را بررسی نمود؟ با ملاحظه ظاهر مواد ۲۶۷ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ و ۶۶۵ ق.ت. مصوب ۱۳۷۵ متوجه می شویم که موضوع هر دو جرم، «مال» است و این تصور ممکن است به ذهن متبادر شود که در این مورد نیز تفاوتی بین جرم مذکور قابل احراز نمی باشد. لکن به نظر می رسد که این موضوع می بایست به صورت دقیق تر مورد تحلیل قرار گیرد که در ادامه با تفسیر مواد مرتبط قوانین مختلف سعی بر آن است که بیان شود نوع مال یا

^۱ - رای شماره ۱۴۰۲۳۶۳۹۰۰۰۹۵۳۵۲۲ موضوع پرونده کلاسه ۱۴۰۳۶۹۲۰۰۱۸۹۰۷۴۴ مورخ ۱۴۰۲/۰۳/۱۳ صادره از شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری دو شهرستان کوهدشت: «... و حضور متهم در منزل شاکیه پس از درگیری همسر شاکیه با مامورین و استرداد بخشی از مدارک شاکیه به نامبرده پس از آنکه قرینه بر ارتکاب بزه ازسوی وی می باشد، فلذا دادگاه بزهکاری نامبرده را محرز و مسلم دانسته و مستنداً به مواد ۶۶۵ و ۶۶۷ از قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات ۱۳۷۵ نامبرده را ... به تحمل یک سال حبس تعزیری محکوم می نماید ...».

اقسام مالیت، چه تأثیری در تطبیق رفتار رباینده با هر کدام از عناوین مجرمانه سرقت یا ربودن غیر از سرقت می تواند داشته باشد.

اگر به لحاظ مبنایی به دنبال آن باشیم که به وجود یا عدم ارزش یا مالیت یک شیء پی ببریم می بایست آن شیء را از جنبه های شرعی، قانونی و عرفی مورد نقد و بررسی قرار داد. ابتدا باید عنوان داشت که مالیت، یک مفهوم جوهری و ذاتی برای اشیائی است که به عنوان مال شناخته می شوند و اوصاف شرعی، قانونی و عرفی، اوصافی عرضی هستند که به اقتضای ساختارهای حقوقی، اجتماعی و اقتصادی ممکن است بر یک شیء بار شوند. برای مثال، پر مگس ذاتاً مالیت دارد ولی ممکن است از نظر شرع، قانون و عرف مالیت نداشته باشد. در تعریف اوصاف مذکور نیز می توان گفت چنان چه یک شیء از لحاظ شرعی، مشروع، حلال و دارای نفع عقلایی باشد و از سوی شارع منعی بر آن مترتب نشده باشد دارای مالیت شرعی است. همچنین چنان چه امکان تحقق جرایم علیه اموال مانند سرقت، تخریب، کلاهبرداری و ... علیه یک شیء وجود داشته باشد آن شیء دارای مالیت قانونی است؛ یا به عبارت دقیق تر، چنان چه علیه شیء متعلق به یک شخص جرمی صورت گیرد و در نتیجه برای مالک آن، حمایت قانونی مانند الزام به جبران خسارت یا تعقیب قانونی مرتکب جرم ایجاد شود به نظر می رسد بین مالیت شرعی و مالیت قانونی، رابطه عموم و خصوص مطلق حاکم باشد؛ یعنی برخی اشیاء مانند سلاح غیر مجاز، دارای مالیت شرعی بوده لکن از نظر قانونگذار، کیفری دارای مالیت و حمایت قانونی نمی باشد. لکن بالعکس مال مورد حمایت قانون، غالباً مالیت شرعی دارد. در نهایت برخی اشیاء هستند که مالیت شرعی و قانونی ندارند، لکن از لحاظ عرفی دارای مالیت محسوب می شوند که در ادامه اشاره خواهد شد.

با ذکر مقدمه فوق لازم است که ارتباط این تفکیک در مالیت با جرم ماده ۶۶۵ روشن شود. مقنن پس از تعریف سرقت در ماده ۲۶۷ ق.م.ا. ۱۳۹۲، در ماده بعدی یعنی ماده ۲۶۸ شرایط سرقت حدی را ذکر نموده است. در بند (الف) ماده اخیر، یکی از شرایط سرقت به این نحو بیان شده است: «شیء مسروق شرعاً مالیت داشته باشد». از مفهوم مخالف این

بند استنباط می شود که چنان چه شیء مسروق شرعاً مالیت نداشته باشد رفتار مرتکب، مشمول ربودن غیر حدی می شود. به نظر می رسد لزوم پیش بینی شرط مالیت شرعی داشتن، بدین سبب است که مجازات سرقت حدی نسبت به سرقت و ربایش تعزیری، به مراتب سخت تر می باشد؛ بنابراین در سرقت حدی، شرط مال بودن موضوع سرقت، در حدّ اعلاّی آن لازم دانسته شده است؛ در حالی که مال مذکور در ماده ۲۶۷ مفهومی عام تر است و شامل اوصاف عرضی مالیت، یعنی مالیت شرعی، قانونی و عرفی می شود و دلیل آن همان بند (الف) ماده ۲۶۸ است که ذکر شد. از نظر نگارندگان، با در نظر داشتن اوصاف عرضی حاکم بر مالیت و مفهوم مخالف بند (الف) ماده ۲۶۸ می توان اینگونه استنباط نمود که: ۱- ربایش مالی که علاوه بر مالیت شرعی، همزمان سایر شرایط مندرج در ماده ۲۶۸ را داشته باشد مشمول سرقت حدی است؛ ۲- چنان چه مالیت شرعی یا یکی از شرایط ماده ۲۶۸ را نداشته باشد، لکن مالیت قانونی داشته باشد سرقت تعزیری محسوب می گردد؛ ۳- در نهایت، چنان چه شیء ربوده شده، فاقد مالیت شرعی و قانونی اما دارای مالیت عرفی باشد، موضوع را می توان از مصادیق ماده ۶۶۵ ق.ت. مصوب ۱۳۷۵ تلقی نمود. در تقویت این نظر باید عنوان داشت که:

اولاً، بدیهی است که شرایط سرقت حدی توسط شارع پیش بینی و مشخص گردیده است. در سرقت تعزیری نیز هرچند مجازات آن به نظر حاکم واگذار شده است، لکن شرایط تحقق آن نیز از مبانی شرعی اقتباس گردیده است. از جمله این شرایط، مال بودن موضوع جرم است و تردیدی در آن نیست که منظور از مال - چه در سرقت های حدی و چه تعزیری - مالی است که همان طور که پیش از این اشاره گردید، دارای منافع عقلایی، حلال و مشروع باشد. به عبارت دیگر، این مال باید شرعی (دارای مالیت مشروع) و قانونی باشد؛ یعنی از نظر حاکم شرع، ربودن آن سرقت تلقی شده و قابل مجازات باشد. اگر شیئی چنین اوصافی نداشته، لکن مالیت عرفی داشته باشد به نظر می رسد تا قبل از تصویب ماده ۶۶۵ در سال ۱۳۷۵، رباینده آن می بایست تبرئه می گردید.

ثانیاً: در برخی از قوانین تعزیری مانند قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی، برای اشیائی که صرفاً دارای مالیت عرفی باشد ارزش اقتصادی تعیین

نموده است. برای نمونه، در بند (ب) ماده ۱ این قانون ذکر شده است: «کالا: هر شیء که در عرف ارزش اقتصادی دارد». همچنین می‌توان به تبصره ۱ ماده ۲۲ همین قانون اشاره نمود: «در صورتی که ارزش عرفی (تجاری) مشروبات الکلی مشمول بندهای (الف) و (ب) این ماده باشد...». البته لازم به ذکر است که کالا علاوه بر مجاز، شامل کالای مجاز مشروط مانند فلزیاب بدون مجوز و کالای ممنوع مانند مشروبات الکلی می‌باشد. هر چند به نظر می‌رسد که در اینجا نیز باید قائل به تفکیک شده و ربودن کالای مجاز مشروط را سرقت، و ربایش کالای ممنوعی که صرفاً دارای ارزش عرفی است را مصداق جرم ماده ۶۶۵ دانست. ممکن است این شبهه حادث شود که اموالی مانند فلزیاب و سلاح غیر مجاز، اگرچه حمایت و مالیت قانونی ندارند اما مالیت شرعی دارند و بنابراین ربایش آنها سرقت محسوب شده و مشمول ربایش ماده ۶۶۵ نمی‌باشد. در پاسخ به این شبهه نیز باید عنوان داشت از آنجا که تخلف از احکام سلطانیه^۱ جایز نیست و تخلف از قوانین و مقررات حکومتی، رفتار خلاف شرع نیز محسوب می‌شود (خمینی، ۱۳۸۹: ۴۷۳/۱۹) بنابراین چنین اموالی علاوه بر ایراد قانونی، از نظر شرعی نیز دارای اشکال می‌باشند و در چنین شرایطی تنها مالیت عرفی آنها محفوظ می‌باشد.

بنابراین می‌توان گفت که مقتن نیز برای اشیائی مانند کالاهای ممنوع مورد بحث، ارزش اقتصادی قائل شده است و به نوعی آن را مال (عرفی) به حساب آورده است. از اینرو می‌توان نتیجه گرفت که ربایش چنین اموالی، جرم محسوب می‌شود، اما به این دلیل که مال موضوع جرم همان مال مورد حمایت شارع در سرقت های حدی و تعزیری نیست لاجرم نمی‌توان ربایش آن را سرقت دانست و تنها نص قانونی قابل انطباق با ربایش این نوع از اموال، همان ماده ۶۶۵ می‌باشد.

ممکن است ایراد شود که اگر قائل به این نظر باشیم و ربایش اموالی را که تنها دارای مالیت عرفی بوده، مشمول ربودن ماده ۶۶۵ بدانیم، می‌بایست تبعات و الزامات قانونی آن

۱. احکام اجتماعی و حکومتی (قوانین و مقررات حکومتی).

را نیز پذیریم. از جمله این الزامات، ردّ عین یا مثل و پرداخت قیمت مال ربوده شده می باشد که در ماده ۶۶۷ همان قانون ذکر شده است. به عبارت دیگر، اگر شخصی مشروبات الکلی یک شخص مسلمان را سرقت نماید و این رفتار را جرم ربودن غیر از سرقت تلقی نمائیم آیا می بایست رباینده را به ردّ عین، مثل یا قیمت این مال ملزم نمائیم؟ در حالی که گاهی همین الزامات مانند ردّ مثل مشروبات، خود، مستلزم ارتکاب جرم جدیدی می باشد و قطعاً چنین رفتاری مورد انتظار و حمایت قانونگذاری کیفری نیست. در پاسخ باید بیان نمود که این ایراد وارد نیست؛ زیرا اولاً، بدیهی است که ردّ عین، مثل یا قیمت مال، مجازات و از باب مسئولیت کیفری برای رباینده نیست بلکه این الزام، در نتیجه مسئولیت مدنی رباینده است که می بایست در صورت تجویز قانون درصدد جبران رفتار خود برآید؛ ثانیاً، در مواردی ردّ عین مال، مثل یا قیمت آن منتفی می باشد و این موضوع منافاتی با ماده ۶۶۷ ندارد. برای نمونه، الزامات مذکور در سرقت مشروبات الکلی متعلق به یک مسلمان که بعد از تصمیم دادگاه معدوم می شود، مطلقاً ممنوع می باشد و صاحب اولیه مشروبات نمی تواند برای جبران خسارت به رباینده مراجعه نماید. البته در مورد دسته ای از اموال دیگر مانند سلاح و فلزیاب غیر مجاز که صرفاً دارای مالیت عرفی بوده، هرچند امکان ردّ عین یا مثل مال به جهت ممنوعیت و تعدّر قانونی در خصوص این اموال امکان پذیر نمی باشد، لکن امکان مطالبه قیمت از طریق طرح دادخواست در محاکم حقوقی وجود دارد. علت امکان و عدم امکان مطالبه قیمت در خصوص این دو دسته اموال را شاید بتوان عدم نفع عقلایی و عرفی برای دسته اول مانند مشروبات الکلی دانست مخصوصاً آن که علاوه بر نصوص شرعی، امروزه علم پزشکی در دنیا مضرّ بودن این اقلام را ثابت نموده است؛ و این در حالی است که در اصل برای اموال دسته دوم، نفع عقلایی و عرفی مانند حمل سلاح جهت محافظت از جان و مال یا استفاده از فلزیاب برای اکتشافات مجاز معدنی، متصور است؛ هرچند استفاده از آنها منوط به حصول شرایطی مانند اخذ مجوز از مراجع ذیصلاح است.

نتیجه گیری

جرم ربایش موضوع ماده ۶۶۵ پس از تصویب در قانون تعزیرات سال ۱۳۷۵ چالش های اساسی را فراروی حقوقدانان و سیستم قضایی کشور قرار داده است. علت این امر فقدان ضابطه و معیار دقیق جهت تشخیص جرایم موضوع این ماده و همچنین به جهت شباهت ارکان تشکیل دهنده جرم مذکور با جرم سرقت می باشد؛ به نحوی که منشأ اختلاف دیدگاه بین حقوقدانان و عدم وحدت رویه بین محاکم کیفری شده است. این موضوع سبب گردید که مخصوصاً در سال های اخیر استفاده از این مقرره قانونی، متروک و یا به ندرت مورد استفاده قرار گیرد و همین میزان استناد و استفاده محدود از این مستند قانونی نیز با تفسیرهای متهافت و حتی متعارض همراه شده است. همان طور که در مقاله حاضر ذکر شد، تطبیق و مقایسه دو جرم مورد اشاره نیز سبب تعیین معیاری جهت شناسایی جرائم موضوع ماده ۶۶۵ نگردید؛ همچنین بسیاری از حقوقدانان نیز برخی رفتارها را مصداق این جرم معرفی نموده، در حالی که این رفتارها مشمول جرم سرقت بوده یا اساساً جرم تلقی نمی گردیدند و از اینرو، دکترین حقوقی نیز منجر به تشخیص و ارائه معیار موردنظر نگردید. در نهایت پس از بررسی مفهوم مالیت و اوصاف آن (شرعی، قانونی و عرفی) و مقایسه و تحلیل این مفهوم در قوانین موضوعه مختلف ضابطه ای دقیق جهت شناسایی مصادیق ماده ۶۶۵ ارائه گردید؛ به این نحو که: ۱- سرقت حدی زمانی محقق می گردد که مال ربوده شده (به همراه سایر شرایط ماده ۲۶۸ ق.م.ا.) همزمان دارای مالیت شرعی، قانونی و عرفی باشد؛ ۲- اگر مال موضوع جرم ربایش دارای مالیت قانونی و عرفی باشد لکن فاقد مالیت شرعی باشد، جرم سرقت تعزیری محقق است؛ ۳- در نهایت، چنان چه شیء ربایش شده صرفاً مالیت عرفی داشته باشد (مانند ربایش سلاح غیر مجاز)، موضوع مشمول جرم ربایش ماده ۶۶۵ خواهد بود. به عبارت دیگر، ضابطه تشخیص ربایش موضوع ماده ۶۶۵ و تفکیک آن از سرقت حدی و تعزیری، در بستر شقوق مختلف مالیت به تفسیر پیش گفته قابل احراز می باشد.

در نهایت پیشنهاد می گردد به منظور شناسایی و تفکیک مصادیق موضوع ماده ۶۶۵ از جرایم سرقت حدی و تعزیری، مقنن در قالب اصلاحات تقنینی، از قبیل پیش بینی یک تبصره قانونی ذیل ماده ۶۶۵ و اشاره کلی به انواع مالیت و تأثیر هر قسم از آن بر تعیین جرایم مذکور، در صدد رفع این ابهامات و چالش ها بر آید.

منابع

- آخوند خراسانی، ملامحمد (۱۴۱۰ق)، **دُرر الفوائد فی الحاشیه علی الفرائد**، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ابن اثیر، مجد الدین المبارک بن محمد الجزری (۱۳۸۴)، **النهایه فی غریب الحدیث و الأثر**، ج ۳، قم: دار التفسیر.
- احمد بن محمد بن علی المقرئ القیومی (۱۴۰۵ق)، **المصباح المنیر**، قم: دار الهجرة.
- الهام، غلامحسین (۱۳۸۰-۱۳۷۹)، **تقریرات درس حقوق جزای اختصاصی ۲**، قم: مجتمع آموزش عالی قم.
- ایزدی فرد، علی اکبر؛ حسین نژاد، سید مجتبی (۱۳۹۸)، **ماهیت سرقت های مجازی (نقد ماده ۱۲ و ۱۳ قانون جرائم رایانه ای)**، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۱۱، ۳۱-۶۰.
- جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۳۸۶)، **الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة**، ج ۱۳، ترجمه: علی شیروانی، قم: دار العلم.
- جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۴۱۲ق)، **الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة**، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۳۸۶)، **الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة**، ج ۱، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
- جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۴۱۳ق)، **مسالك الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام**، ج ۳، قم: تحقیق مؤسسه معارف اسلامیة.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۷)، **ترمینولوژی حقوق**، ج ۱، چ ۱۹، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- خمینی (امام)، سید روح الله (۱۳۶۳)، **تحریر الوسیله**، ج ۱، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- خمینی (امام)، سید روح الله (۱۳۸۹)، **صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی**، ج ۱۹، چ ۵، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- الخوری الشرتونی اللبنانی، سعید (۱۴۰۳)، **أقرب الموارد**، ج ۲، قم: کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی نجفی (ره).

- دہخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، **لغت نامہ دہخدا**، ج ۳، ۲، تهران: مؤسسہ چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- راغب اصفہانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، **مفردات الفاظ القرآن**، ج ۱، بیروت: دار العلم.
- شاکری، زہرا (۱۳۹۸)، **سرقۃ علمی و ضمانت اجراهای مقابلہ با آن؛ با تاکید بر مسئلہ تعامل سرقۃ علمی و نظام حقوق مالکیت فکری**، فصلنامہ مطالعات حقوق خصوصی، ۴۹، ۶۵۵-۶۷۵.
- شمس ناتری، محمد ابراہیم؛ عبد اللہ یار، سعید (۱۳۹۰)، **حالت ضرورت و دفاع مشروع**، تهران: مجلہ صفایی، سید حسین (۱۳۸۹)، **دورہ مقدماتی حقوق مدنی (اشخاص و اموال)**، ج ۱، ۱۱، تهران: میزان.
- طریحی، فخرالدین (۱۴۱۶ق)، **مجمع البحرین**، ج ۲، تهران: مرتضوی.
- عاملی (شہید اول)، محمد بن مکی (۱۳۶۹)، **کتاب لمعہ**، ج ۲، ترجمہ: علیرضا فیض و علی مہذب، تهران: مؤسسہ چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- عدل، مصطفیٰ (۱۳۸۵)، **حقوق مدنی**، ج ۲، قزوین: طہ.
- کاتوزیان ناصر (۱۳۷۹)، **مقدمہ علم حقوق**، ج ۲۶، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶)، **الزام های خارج از قرارداد (ضمان قہری)**، تهران: مؤسسہ چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، **الکافی**، ج ۷، تهران: دار الکتب الاسلامیہ.
- محسنی، فرید (۱۳۹۷)، **شرح قانون مجازات اسلامی**، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوہ قضاییہ.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۵)، **استفتانات جدید**، ج ۳، ۲، قم: مدرسہ الامام علی بن ابیطالب (ع).
- میر محمد صادقی، حسین (۱۳۹۲)، **حقوق کیفری اختصاصی ۲ (جرایم علیہ اموال و مالکیت)**، ج ۵، تهران: میزان.
- میرزایی، اقبالعلی (۱۳۹۰)، **قانون متروک: مبانی، مفہوم و مصادیق**، مجلہ حقوقی دادگستری، ۷۴، ۶۹-۱۰۲.
- نائینی، محمد حسین (۱۳۷۳)، **منیہ الطالب فی حاشیہ المکاسب**، ج ۱، تهران: المکتبہ المحمدیہ.
- نجفی (صاحب جواهر)، محمد حسن (۱۳۹۷)، **جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام**، ج ۴۱، ۳، قم: مؤسسہ النشر الاسلامی.

- نجفی (صاحب جواهر)، محمدحسن (١٤٠٤ق)، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، ج ٤١، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

References

- Adl, M. (2006). *Civil Law* (2nd ed.). Qazvin: Taha Publishing.
- Akhund Khurasani, M. M. (2011). *Durar al-Fawa'id fi al-Hashiyah 'ala al-Fara'id* (Pearls of Benefits in the Commentary on al-Fara'id). Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Al-Amili (Shahid al-Awwal), M. b. M. (1990). *Kitab al-Lum'ah* (Vol. 2, Trans. A. Fayz & A. Mohazzab). Tehran: University of Tehran Press and Publications Institute.
- Al-Amili (Shahid al-Thani), Z. b. A. (2007). *Al-Rawdah al-Bahiyyah fi Sharh al-Lum'ah al-Dimashqiyyah* (Vol. 13, Trans. A. Shirvani). Qom: Dar al-'Ilm.
- Al-Amili (Shahid al-Thani), Z. b. A. (2007). *Al-Rawdah al-Bahiyyah fi Sharh al-Lum'ah al-Dimashqiyyah* (Vol. 1). Beirut: Dar al-Ta'aruf lil-Matbu'at.
- Al-Amili (Shahid al-Thani), Z. b. A. (1991). *Al-Rawdah al-Bahiyyah fi Sharh al-Lum'ah al-Dimashqiyyah*. Qom: Office of Islamic Propagation of the Seminary of Qom.
- Al-Amili (Shahid al-Thani), Z. b. A. (1992). *Masalik al-Afham ila Tanqih Shara'i' al-Islam* (Vol. 3). Qom: Islamic Knowledge Research Institute.
- Al-Dhahabi? [Correction needed: Original source not provided].
- Al-Khuri al-Shartuni al-Lubnani, S. (2024). *Aqrab al-Mawarid* (Vol. 2). Qom: Library of Ayatollah Mar'ashi Najafi.
- Al-Maqri al-Fayyumi, A. b. M. b. A. (1985). *Al-Misbah al-Munir*. Qom: Dar al-Hijrah.
- Al-Tabrisi? [Not included; no corresponding Persian source provided].
- Al-Turayhi, F. (1995). *Majma' al-Bahrayn* (Vol. 2). Tehran: Murtazavi Publishing.
- Ayatollah Khomeini, S. R. (1984). *Tahrir al-Wasilah* (Vol. 1). Qom: Islamic Publishing Institute.
- Ayatollah Khomeini, S. R. (2010). *Sahifeh-ye Imam: Collection of Imam Khomeini's Works* (Vol. 19, 5th ed.). Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Dehkhoda, A. A. (1998). *Dehkhoda Dictionary* (Vol. 3, 2nd ed.). Tehran: University of Tehran Press and Publications Institute.
- Eizadifar, A. A., & Hosseinnajad, S. M. (2019). The nature of virtual thefts (A critique of Articles 12 and 13 of the Cyber Crimes Act). *Islamic Jurisprudence and Law Studies*, 11, 31–60.

- Emami, G. H. (2000–2001). *Lectures on Special Criminal Law II*. Qom: Qom Higher Education Complex.
- Isfahani, R. (1992). *Mufradat Alfaz al-Qur'an* (Vol. 1). Beirut: Dar al-'Ilm.
- Jafari Langroudi, M. J. (2008). *Legal Terminology* (Vol. 1, 19th ed.). Tehran: Ganj-e Danesh Library.
- Katouzian, N. (2000). *Introduction to Legal Science* (26th ed.). Tehran: Sherkat-e Sahami Enteshar.
- Katouzian, N. (2007). *Extra-Contractual Obligations (Quasi-Delicts and Civil Liability)*. Tehran: University of Tehran Press and Publications Institute.
- Kulayni, M. b. Y. (1988). *Al-Kafi* (Vol. 7). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
- Makarem Shirazi, N. (2006). *New Religious Legal Questions (Istifta'at Jadidah)* (Vol. 3, 2nd ed.). Qom: Imam Ali ibn Abi Talib School.
- Mir Mohammad Sadeghi, H. (2013). *Special Criminal Law II: Crimes Against Property and Ownership* (5th ed.). Tehran: Mizan Publishing.
- Mirzaei, E. A. (2011). Abandoned law: Foundations, concept, and examples. *Judiciary Law Journal*, 74, 69–102.
- Mohseni, F. (2018). *Commentary on the Islamic Penal Code*. Tehran: Judiciary Press and Publications Center.
- Naeini, M. H. (1994). *Munyat al-Talib fi Hashiyat al-Makasib* (Vol. 1). Tehran: Al-Maktabah al-Muhammadiyah.
- Najafi (Sahib Jawahir), M. H. (2018). *Jawahir al-Kalam fi Sharh Shara'i' al-Islam* (Vol. 41, 3rd ed.). Qom: Islamic Publishing Institute.
- Rahimi? [No corresponding source in the provided list].
- Safaei, S. H. (2010). *An Introductory Course on Civil Law: Persons and Property* (Vol. 1, 11th ed.). Tehran: Mizan Publishing.
- Shakeri, Z. (2019). Plagiarism and its legal sanctions with emphasis on the interaction between plagiarism and intellectual property law. *Quarterly Journal of Private Law Studies*, 49, 655–675.
- Shams Nateri, M. I., & Abdollahyar, S. (2011). *Necessity and Legitimate Defense*. Tehran: Majd Publishing.